





دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
تهران غرب

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد
در رشته جامعه‌شناسی

تحلیل ثانویه عوامل اجتماعی موثر بر فقر زنان سرپرست خانوار در سال ۱۳۸۵

محمدحسن خاکباززاده

استاد راهنما:

دکتر محمدجواد زاهدی مازندرانی

استاد مشاور:

دکتر فرهاد خدادادکاشی

دی ماه ۱۳۸۷



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه پیام نور
دانشگاه پیام نور استان تهران

تاریخ
شماره
پیوست

((تصویب نامه))

پایان نامه تحت عنوان:

"تحلیل ثانویه عوامل اجتماعی موثر بر فقر زنان
سرپرست خانوار در سال ۱۳۸۵"

تاریخ دفاع: ۸۷/۱۱/۲۶ ساعت: ۱۲-۱۱

نمره: ۱۹
درجه: ۴
(نزر ۲۶۵)

اعضای هیات داوران مرتبه علمی

امضاء

۱- استاد راهنما: آقای دکتر محمدجواد زاهدی

۲- استادمشاور: آقای دکتر فرهاد خدادادکاشی

۳- استاد داور: دکتر غلامرضا غفاری

۴- نماینده محترم گروه سازمان: دکتر امیرملکی

۵- نماینده محترم گروه مرکز: دکتر پروانه دانش

تهران، خیابان انقلاب،
خیابان استاد نجات اللهی،
نیش خیابان سپند،
پلاک ۲۳۳
تلفن: ۸۸۸۰۱۰۹۰
دورنگار: ۸۸۹۰۳۱۵۸
پست الکترونیکی:
info@Tehran.pnu.ac.ir
نشانی الکترونیکی:
http://www.Tehran.pnu.ac.ir

تقدیم به:

خانواده ام

اساتیدم

دوستانم

و

پژوهندگان دانش

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که در همه لحظات خصوصاً در طی مسیر سالهای تحصیلی ام همراه و پشتیبانم بوده است. بی شک گردآوری این پایان نامه جز در سایه لطف او میسر نمی شد. حال که نگارش این پایان نامه به سرانجام می رسد بر خود لازم می بینم که از تمامی همراهانی که راهنمایی ها و مساعدت های خود را از اینجانب دریغ نورزیدند تقدیر و سپاسگزاری کنم. ابتدا از استاد بسیار مهربان، گرانقدر و ارجمندم جناب آقای دکتر محمد جواد زاهدی مازندرانی که با صبر و حوصله بسیار زیادی مرا در تدوین این پایان نامه یاری نمودند و روحیه پژوهشگری را در من تقویت نمودند، سپاسگزاری می نمایم. امیدوارم در آینده توفیقی حاصل شود تا بتوانم گوشه ای از زحمات ایشان را جبران کنم. همچنین از زحمات جناب آقای دکتر فرهاد خداداد کاشی استاد مشاورم و جناب آقای دکتر غلامرضا غفاری که زحمت داوری این پایان نامه را بر عهده داشتند، قدردانی کنم. از خانواده ام بویژه پدر و مادر بزرگوaram که در طی سال های تحصیل با گذشت و فداکاری مرا تامین و تشویق کردند، و همچنین از همسر مهربانم که در لحظه لحظه نگارش این پایان نامه مرا همراهی و به تمامه یاری نمود، کمال تشکر را دارم.

محمد حسن خاکباززاده

دی ماه ۱۳۸۷

چکیده

فقر جنسیتی از موضوعات مهمی است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا کنون، توجه زیادی را به خود اختصاص داده است. گزارش توسعه انسانی صندوق جمعیت ملل متحد حاکی از آن است که بیش از ۷۰ درصد فقرای جهان را زنان تشکیل می‌دهند. شکاف میان زن و مرد در چرخه فقر در دهه گذشته افزایش یافته است و منجر به ایجاد پدیده ای شده که اغلب به عنوان « زنانه شدن فقر » یاد می‌شود. هدف اصلی پژوهش، بررسی عوامل موثر بر فقر درآمدی با تاکید بر جنسیت سرپرست خانوار می‌باشد. در این پژوهش از روش تحلیل ثانوی استفاده شده است. تحلیل ثانوی بر روی نتایج آمارگیری نمونه ای هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۸۵ که توسط مرکز آمار ایران انجام شده، صورت گرفته است. حجم نمونه شامل ۳۰۹۱۰ نفر می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روشهای رگرسیون و تحلیل تشخیصی استفاده شده است.

در این تحقیق مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر فقر درآمدی به جز جنسیت، تعداد افراد با سواد در خانوار، وضع سواد سرپرست، تعداد افراد شاغل در خانوار، وضع فعالیت و وضع تاهل سرپرست، و سن سرپرست شناخته شده‌اند. متغیرهای تأثیر گذار در ایجاد شکاف فقر جنسیتی به ترتیب عبارتند از: وضعیت تاهل، وضعیت فعالیت، وضعیت سواد سرپرست، بعد خانوار، تعداد افراد باسواد، سن، محل سکونت و تعداد افراد شاغل. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، میزان سهم زنان در سرپرستی خانوارها ۹/۴ درصد بوده که این میزان در سال ۷۵، ۸/۴ درصد بوده است. بیشتر زنان کشورهای صنعتی به دلیل طلاق و جدایی سرپرست خانوار می‌شوند، در حالیکه این مساله در کشورهای جهان سوم به دلیل اعتیاد، طلاق، مرگ و بیماری همسر رخ می‌دهد. از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که جنسیت با اثر ۰/۴۴۱ فقر درآمدی را به صورت منفی تحت تأثیر قرار داده است. به عبارت دیگر، سهم فقر زنان سرپرست خانوار بیشتر از مردان سرپرست خانوار (۶/۴۷ درصد در مقایسه با ۱/۱۷ درصد) بوده است و زن بودن احتمال قرار گرفتن در دایره فقر را افزایش می‌دهد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۲.....	مقدمه.....
۳.....	بیان مساله.....
۷.....	ضرورت و اهمیت تحقیق.....
۹.....	اهداف تحقیق.....
۱۰.....	سوالات تحقیق.....
۱۱.....	سازماندهی تحقیق.....

فصل دوم: مرور منابع و متون تحقیق

۱۴.....	بخش اول: مرور سوابق تجربی.....
۱۴.....	الف) تحقیقات داخلی.....
۱۸.....	ب) تحقیقات خارجی.....
۲۳.....	بخش دوم: مرور سوابق نظری.....
۲۳.....	الف) مفهوم فقر.....
۳۰.....	ب) توزیع منابع درون خانوار.....

- ۳۱..... (ج) زنان سرپرست خانوار.....
- ۳۳..... رویکردهای جامعه شناختی فقر.....
- ۳۳..... (الف) رویکرد مارکسی.....
- ۳۴..... (ب) رویکرد وبری.....
- ۳۸..... ۱- نظریه داروینسم اجتماعی فقر.....
- ۳۹..... ۲- فرهنگ فقر.....
- ۴۰..... ۳- نظریه موقعیتی فقر.....
- ۴۱..... ۴- نظریه ساختاری فقر.....
- ۴۲..... دیدگاه فمینیستی فقر.....
- ۴۴..... دیدگاه آمارتیا کومار سن.....
- ۴۷..... دیدگاه تاون سند.....
- ۴۸..... چارچوب نظری.....
- ۴۹..... پارادایم جدید فقر.....
- ۵۰..... چارچوب مفهومی فقر.....
- ۵۰..... چگونه زنان سرپرست خانوار فقیرترین فقرا شدند؟.....
- ۵۱..... عرضه نیروی کار، اشتغال و درآمد.....
- ۵۳..... وابستگی و استقلال.....
- ۵۴..... محدودیت حمایت سیستمها و سیاست های اجتماعی.....
- ۵۶..... ساختار خانوار.....
- ۵۷..... شبکه روابط اجتماعی.....
- ۵۸..... آیا می توان عنوان فقیرترین فقرا را به زنان سرپرست خانوار تعمیم داد؟.....
- ۶۱..... وضع زناشویی.....

۶۲نوع خانوار
۶۳سن و چرخه زندگی
۶۴مفهوم فقر و سرپرستی در مطالعات فقر جنسیتی و ابهامات آنان
۷۱فقر غیر مصرفی
۷۱رابطه بین مشارکت در نیروی کار و فقر
۷۵فقر مصرفی
۷۶درآمد خانوار
۷۷جنسیت
۸۰بعد خانوار
۸۳مدل تحلیلی

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۸۵روش تحقیق
۸۶واحد تحلیل
۸۶جامعه آماری و تعداد نمونه
۸۷تعریف های مفهومی و عملیاتی متغیرها و نحوه سنجش آنها
۹۳روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۹۳روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل چهارم: یافته های تحقیق

۹۶۴-۱. یافته های توصیفی (تحلیل یک متغیره)
۹۶۴-۱-۱. توزیع سنی

- ۹۸.....محل سکونت. ۲-۱-۴
- ۹۸.....وضعیت تاهل. ۳-۱-۴
- ۱۰۰.....وضع فعالیت. ۴-۱-۴
- ۱۰۱.....وضعیت سواد. ۵-۱-۴
- ۱۰۳.....بعد خانوار. ۶-۱-۴
- ۱۰۴.....میانگین و میانه بعد خانوار. ۷-۱-۴
- ۱۰۴.....تعداد افراد باسواد در خانوار. ۸-۱-۴
- ۱۰۶.....تعداد افراد شاغل در خانوار. ۹-۱-۴
- ۱۰۷.....تعداد افراد دارای درآمد در خانوار. ۱۰-۱-۴
- ۱۰۸.....دهک های درآمدی. ۱۱-۱-۴
- ۱۰۹.....فقر درآمدی. ۱۲-۱-۴
- ۱۱۰.....تحلیل دو متغیره و آزمون فرضیه های تحقیق. ۲-۴
- ۱۱۰.....۱-۲-۴. تفاوت های جنسیتی در برخی از ویژگی های فردی سرپرست خانوار.
- ۱۱۰.....۱-۱-۲-۴. جنسیت و توزیع سنی.
- ۱۱۱.....۲-۱-۲-۴. جنسیت و محل سکونت.
- ۱۱۱.....۳-۱-۲-۴. جنسیت و وضع فعالیت سرپرست.
- ۱۱۲.....۴-۱-۲-۴. جنسیت و وضع تاهل سرپرست.
- ۱۱۲.....۵-۱-۲-۴. جنسیت و وضع سواد سرپرست.
- ۱۱۳.....۲-۲-۴. تفاوت های جنسیتی در برخی از ویژگی های خانوار.
- ۱۱۳.....۱-۲-۲-۴. جنسیت و بعد خانوار.
- ۱۱۴.....۲-۲-۲-۴. جنسیت و تعداد افراد باسواد.
- ۱۱۵.....۳-۲-۲-۴. جنسیت و تعداد افراد دارای درآمد.

۱۱۵.....	۴-۲-۲-۴. جنسیت و تعداد افراد شاغل
۱۱۶.....	۴-۲-۲-۴. جنسیت و فقر درآمدی
۱۱۷.....	۳-۴. تحلیل چند متغیری داده ها
۱۱۹.....	۱-۳-۴. تحلیل تشخیصی
	۱-۱-۳-۴. رابطه بین متغیر وابسته گروه بندی (فقیر و غیر فقیر) و متغیرهای مستقل لحاظ شده
	۲-۱-۳-۴. رابطه بین متغیر وابسته گروه بندی زنان و مردان سرپرست خانوار و متغیرهای مستقل لحاظ شده.....
۱۲۳.....	۳-۱-۳-۴. رابطه بین متغیر وابسته گروه بندی (زنان فقیر در مقایسه با زنان غیر فقیر و کل مردان) و متغیر های مستقل لحاظ شده برای شاخص های غیر درآمدی.....
۱۲۹.....	

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۳۴.....	مقدمه.....
۱۳۴.....	نتایج و بحث.....
۱۴۰.....	پیشنهادات.....
۱۴۳.....	منابع فارسی.....
۱۴۶.....	منابع انگلیسی.....

فهرست جداول

۹۷.....	جدول ۴-۱. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب گروه های سنی به تفکیک جنس.....
۹۸.....	جدول ۴-۲. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب محل سکونت به تفکیک جنس.....
۹۹.....	جدول ۴-۳. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب وضعیت تاهل به تفکیک جنس.....
۱۰۰.....	جدول ۴-۴. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب وضعیت فعالیت به تفکیک جنس.....

- جدول ۴-۵. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب وضعیت سواد به تفکیک جنس..... ۱۰۹
- جدول ۴-۶. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب بعد خانوار به تفکیک جنس..... ۱۰۳
- جدول ۴-۷. میانگین و میانه بعد خانوار سرپرستان خانوار به تفکیک جنس..... ۱۰۴
- جدول ۴-۸. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب تعداد افراد با سواد به تفکیک جنس..... ۱۰۵
- جدول ۴-۹. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب تعداد افراد شاغل به تفکیک جنس..... ۱۰۶
- جدول ۴-۱۰. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب تعداد افراد دارای درآمد به تفکیک جنس..... ۱۰۷
- جدول ۴-۱۱. توزیع فراوانی دهک های درآمدی به تفکیک جنس..... ۱۰۸
- جدول ۴-۱۲. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سرپرستان خانوار بر حسب وضعیت فقر به تفکیک جنس..... ۱۰۹
- جدول ۴-۱۳. آزمون تفاوت میانگین سن بر حسب جنس سرپرست خانوار..... ۱۱۰
- جدول ۴-۱۴. آزمون معنی داری محل سکونت سرپرست خانوار بر حسب جنس..... ۱۱۱
- جدول ۴-۱۵. آزمون معنی داری وضع فعالیت سرپرست خانوار بر حسب جنس..... ۱۱۲
- جدول ۴-۱۶. آزمون معنی داری وضع تاهل سرپرست خانوار بر حسب جنس..... ۱۱۲
- جدول ۴-۱۷. آزمون معنی داری وضع سواد سرپرست خانوار بر حسب جنس..... ۱۱۳
- جدول ۴-۱۸. آزمون تفاوت میانگین بعد خانوار بر حسب جنس سرپرست..... ۱۱۴
- جدول ۴-۱۹. آزمون تفاوت میانگین تعداد افراد باسواد بر حسب جنس سرپرست..... ۱۱۴
- جدول ۴-۲۰. آزمون تفاوت میانگین تعداد افراد دارای درآمد بر حسب جنس سرپرست..... ۱۱۵
- جدول ۴-۲۱. آزمون تفاوت میانگین تعداد افراد شاغل بر حسب جنس سرپرست..... ۱۱۶
- جدول ۴-۲۲. آزمون تفاوت میانگین فقر درآمدی بر حسب جنس سرپرست..... ۱۱۶
- جدول ۴-۲۳. مدل‌های تحلیل تشخیصی مربوط به تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته گروه بندی فقیر و غیر فقیر..... ۱۲۰
- جدول ۴-۲۴. نتایج آزمون معنی داری تحلیل تشخیصی چند متغیره مربوط به تاثیر متغیرهای مستقل بر گروه های فقیر و غیر فقیر..... ۱۲۲

- جدول ۴-۲۵. نتایج تحلیل تشخیصی چند متغیری مربوط به تاثیر متغیر های مستقل بر متغیر وابسته گروه بندی فقير و غير فقير ۱۲۳
- جدول ۴-۲۶. مدل‌های تحلیل تشخیصی مربوط به تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته گروه های زنان و مردان سرپرست خانوار..... ۱۲۵
- جدول ۴-۲۷. نتایج آزمون معنی داری تحلیل تشخیصی چند متغیره مربوط به تاثیر متغیرهای مستقل بر گروه های زنان و مردان سرپرست خانوار..... ۱۲۶
- جدول ۴-۲۸. نتایج تحلیل تشخیصی چند متغیری مربوط به تاثیر متغیر های مستقل بر متغیر وابسته گروه بندی زنان و مردان سرپرست خانوار..... ۱۲۸
- جدول ۴-۲۹. مدل‌های تحلیل تشخیصی مربوط به تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته گروه بندی زنان فقير در مقایسه و زنان غير فقير و کل مردان ۱۲۹
- جدول ۴-۳۰. نتایج آزمون معنی داری تحلیل تشخیص چند متغیره مربوط به تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته گروه بندی زنان فقير در مقایسه و زنان غير فقير و کل مردان) ۱۳۰
- جدول ۴-۳۱. نتایج تحلیل تشخیصی چند متغیری مربوط به تاثیر متغیر های مستقل بر متغیر وابسته گروه بندی گروه بندی زنان فقير در مقایسه و زنان غير فقير و کل مردان)..... ۱۳۱

**فصل اول:
کلیات تحقیق**

مقدمه

از زمان شروع مطالعات جدی در زمینه فقر در ایران، تا کنون پژوهشهای متعددی در زمینه های مختلف فقر از جمله تعیین فقر، شناسایی فقرا و سیاست های فقر زدایی و... در کشور صورت گرفته است که اکثر تحقیقات صورت گرفته عمدتاً به آزمون تئوریهای موجود در جامعه ایران پرداخته اند و شیوه جدیدی برای شناخت فقر یا توسعه نظریه های قبلی دیده نمی شود. این مطالعات کمتر به بررسی جنسیت سرپرست خانوار توجه نشان داده اند و مطالعات معدودی در این زمینه صورت گرفته که تنها جنبه توصیفی داشته اند. سهم نابرابر و بیشتر زنان از فقر در مقیاس جهانی غالباً در مفهوم «زنانه شدن فقر» انعکاس یافته است. یکی از نمادهای زنانه شدن فقر، افزایش زنان سرپرست خانوار می باشد. البته برآورد تعداد زنانی که در فقر زندگی می کنند، بسیار دشوار است. یکی از اولین موانع این امر، نبود شاخص رفاه قابل قبول در سطح فردی برای مقایسه مردان و زنان با یکدیگر می باشد. مطلوب ترین شاخص اندازه گیری رفاه (هزینه مصرف) نیز با مشکلاتی روبه روست. مشکلات مربوطه ادبیات فقر جنسیتی را به دو سوی کاملاً مجزا کشانده است. از یک طرف سبب شده است مطالعات فمینیستی عمدتاً روی شاخص های غیر مصرفی نظیر آسیب پذیری، توانمندی و دسترسی به مراقبت بهداشتی، تحصیلات و... متمرکز شوند. از سوی دیگر، به تمرکز ادبیات فقر بر تفاوت های رفاهی اشخاص در خانوارهای مرد و زن سرپرست منجر شده است. زنان سرپرست خانوار تنها بخش کوچکی از جمعیت کل زنان را به خود اختصاص می دهند و به همین دلیل، نمی توانند و نباید به عنوان جایگزین قابل قبولی برای تجزیه و تحلیل فقر جنسیتی در نظر گرفته شوند. اما به نظر می رسد که از یکسو، قابل مشاهده بودن گروه زنان سرپرست خانوار و تعریف نهادهای ذریبط از آنان به عنوان گروه هدف در برنامه های مبارزه

با فقر، توجیه لازم را برای قرار گرفتن زنان سرپرست خانوار در دستور کار دولت ها فراهم می آورد (شادی طلب، ۱۳۸۳). برخی از ویژگیهای اجتماعی و جمعیت شناختی، جایگاه اقتصادی فرد را در جامعه مشخص می کنند و از این طریق می توان میزان توانایی و دسترسی فرد را به امکانات و سرمایه های مادی مشخص نمود. به همین منظور، پژوهش حاضر در نظر دارد تاثیر عوامل جمعیتی و اجتماعی همچون جنسیت، سن، وضعیت زناشویی، وضعیت سواد، وضعیت فعالیت، محل سکونت سرپرست خانوار، بعد خانوار، تعداد افراد باسواد، تعداد شاغلین و تعداد افراد دارای درآمد در خانوار را بر فقر درآمدی در بین زنان و مردان سرپرست خانوار در سال ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار داده و سپس با توجه به اطلاعات بدست آمده، در صدد است تا نقش عوامل ذکر شده را در فرایند زنانه شدن فقر مورد ارزیابی قرار دهد.

بیان مساله

فقر جنسیتی^۱ از موضوعات مهمی است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا کنون، توجه زیادی را به خودش اختصاص داده است. گزارش توسعه انسانی صندوق جمعیت ملل متحد^۲ حاکی از آن است که بیش از ۷۰ درصد فقرای جهان را زنان به خود اختصاص می دهند و فقر در میان زنان در حال افزایش است. طبق برآوردهای صندوق بین المللی توسعه کشاورزی^۳، در طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۸، تعداد زنان زیر خط فقر در جوامع روستایی، بیش تر از مردان افزایش داشته است. (جزایری و همکاران، ۱۹۹۲). آنان بایستی برای کسب سطح رفاهی برابر با مردان ساعات طولانی تری کار کنند و احتمالاً فقر برای آنها مزمن و برای مردان موقتی است (لیپتون و راوالیون، ۱۹۹۵).

1- Gender Poverty

2- UNDP's Human Development Report

3- International Fund for Agricultural Development

به دلیل قرار دادن زنان به طور سیستماتیک در موقعیت های پایین اجتماعی - اقتصادی در داخل و خارج خانواده در بسیاری از جوامع ، در تحلیل های توسعه نیاز است تا به جنسیت به عنوان یک فاکتور مجزا نگریسته شود. طبق نظریه بانک جهانی (۱۹۸۵)، زنان به طور نامتناسب در میان فقرا دیده می شوند. «هر چه خانواده فقیرتر باشد ، احتمال آنکه سرپرستی آن با یک زن باشد بیشتر می شود». شکاف میان زن و مرد در چرخه فقر در دهه گذشته افزایش یافته است و منجر به ایجاد پدیده ای شده که اغلب به عنوان « زنانه شدن فقر» یاد می شود. سختی معاش اقتصادی در خانواده های زن سرپرست مشکلی است که هم از محرومیت زنان و هم فقر خانواده ناشی می شود. به علاوه زن و مرد در یک خانواده می توانند به طور متفاوتی از ساختارهای اجتماعی ، اقتصادی تأثیر بپذیرند و این امر می تواند موقعیت زنان را در خانواده های فقیر به طور خاص وخیم کند .

زنانه شدن فقر^۱ به تغییری در سطوح فقر زنان یا زنان سرپرست خانوار اشاره دارد. در واقع زنانه شدن فقر، تفاوتی در سطوح فقر میان زنان و مردان و یا در میان زنان در مقابل مردان و زوجهای سرپرست خانوار تلقی می شود. همچنین این اصطلاح به معنای افزایش نقشی است که نابرابریهای جنسیتی به عنوان عامل تعیین کننده فقر دارا هستند، ایفا می کنند. بحث زنانه شدن فقر به دهه ۱۹۷۰ باز می گردد. این مفهوم با توجه به مطالعات دایان پیرس ، جامعه شناس آمریکایی که در سال ۱۹۷۰، بر الگوهای جنسیتی در رشد میزانهای فقر در ایالات متحده آمریکا، از آغاز دهه ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ توجه خاصی معطوف داشت، عمومیت و شهرت خاصی پیدا کرد.

1- Feminization of poverty

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، میزان سهم زنان در سرپرستی خانوارها ۹/۴ درصد بوده که این میزان در سال ۷۵، ۸/۴ درصد بوده است. به سخن دیگر، بیش از یک میلیون و ششصد و چهل و یک هزار زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارند، که یک میلیون و صد و شصت هزار نفر آن در شهرها و چهارصد و هفتاد و نه هزار نفر در روستاها و هزار و دویست و یازده نفر در بین عشایر زندگی می‌کنند (سرشماری ۱۳۸۵). بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست در دو دهک اول و دوم یعنی فقیرترین گروه ها قرار گرفته اند. درصد زنان سرپرست خانوار در دهک اول همواره بیش از مردان بوده، در حالی که در دهک های بالاتر سهم زنان سرپرست خانوار رو به کاهش می گذارد.

این گروه از زنان که تحت عنوان «زنان سرپرست خانوار» در جامعه نامیده می شوند با مصائب و مشکلات زیادی در زندگی مواجه هستند که درکنار مشکلات و مسائل شهرهای بزرگ، آسیب های جبران ناپذیری را بر آنها و جامعه وارد می سازد. توجه به مسائل و مشکلات این قشر و بررسی همه جانبه و دقیق این مشکلات و ارائه راهکارهای درست و اصولی به منظور حمایت از این قشر، از جمله وظایف نهادها و سازمان های خدمات اجتماعی در هر کشور است. متأسفانه در جامعه ما زندگی زنان پس از ترک شوهر (به دلیل فوت، طلاق و...) غالباً با ابهامات و مخاطراتی روبرو هستند، از جمله سرپرستی فرزندان به تنهایی و در بسیاری مواقع با سختی، مشکلات اقتصادی، زندگی در تنهایی و همراه با افسردگی و ناامیدی، همچنین نگرش غلط جامعه نسبت به زنان مطلقه و بیوه در نبود همسرانشان، آنان را در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده ای روبرو می کند. در واقع فقر زنان سرپرست خانوار صرفاً جنبه اقتصادی ندارد، بلکه جنبه های روانی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد. نابرابری فرصت ها در تمام طول زندگی این گروه از زنان، زمانی که مسوولیت خانواده

به ناچار بر دوش آنها گذاشته می شود، بیش از پیش خود را نشان می دهد. نابرابری در دسترسی به آموزش، مشارکت در جریان تصمیم گیری های خانواده، عدم امکان کسب مهارت و اتکا به مرد خانواده برای تامین زندگی، زنان را از قابلیت های لازم برای کاهش فقر محروم کرده است. به طور کلی زن سرپرست خانواده کلیه مسؤولیت های فرزندان از یک طرف و اداره خود از طرف دیگر را به عهده داشته و هیچگونه یاری رسانی در این خصوص ندارد. رفاه اجتماعی زنانی که سرپرستی خانوار را برعهده دارند، مقوله ای است که توجه چندانی به آن نشده است. اگر مسائل و مشکلات این زنان را با شاخص های رفاه مقایسه کنیم، شکاف گسترده ای مشاهده خواهیم کرد. برای مثال، شاخص هایی که برای سنجش رفاه اجتماعی بکار گرفته می شود، عبارتند از: بهداشت، آموزش و یادگیری، اشتغال و موقعیت اقتصادی فرد، مشارکت، فرصت های اجتماعی، محیط فیزیکی زندگی، محیط و روابط اجتماعی که در مورد این زنان، خصوصاً عامل فقر اقتصادی تعیین کننده اصلی وضعیت نابسامان آنهاست.

همواره مشکل فقر در خانوارهای زن سرپرست، بیشتر از خانوارهای با سرپرست مرد بوده است. عامل فقر اقتصادی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود را بر وضعیت فرهنگی، اجتماعی و همینطور وضعیت اکولوژیکی خانواده بر جای می گذارد. بسیاری از این زنان، از فقدان یک چتر حمایتی و تأمین مالی و اجتماعی رنج می برند. علاوه بر این، فقر زمانی از دیگر مسائل پیش روی این زنان است. به طوری که تحقیقات نشان می دهند، این زنان، زمان بیشتری را صرف کار می کنند چنین امری موجب ایجاد فقر زمانی و بی توجهی به جنبه های فرهنگی، آموزشی و تربیتی خود و فرزندان می شود.

از سوی دیگر، آنچه اغلب در مورد زنان سرپرست خانوار نادیده گرفته شده است، نیازهای روانی و عاطفی آنها است. براساس بررسی های انجام شده، نگرانی، اضطراب و ناامنی،

بیشترین دغدغه زنان سرپرست خانوار نسبت به آینده خود و فرزندانشان است. وضعیت بد اقتصادی موجب شده است که هم زنان سرپرست خانوار و هم فرزندان آنها از آسیب پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب های اجتماعی باشند و عمدتاً یکی از علائم بیماریهای روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری در آنها دیده می شود. نگرش منفی جامعه به ازدواج مجدد این زنان، درگیری با خانواده همسر و خانواده فرزندان ازدواج کرده و ناامنی جامعه از جمله دیگر عواملی است که این زنان در زندگی هر روزه خود با آن روبرو می شوند.

شایان ذکر است که عوامل موثر بر فقر زنان سرپرست خانوار در برگیرنده گستره وسیعی از عوامل است که ما در این تحقیق به ذکر عوامل اجتماعی موثر بر این پدیده می پردازیم. در این تحقیق عوامل اجتماعی و جمعیتی که از داده های طرح آمارگیری هزینه درآمد خانوار که در سال ۱۳۸۵ جمع آوری شده است، همچون جنس، سن، تعداد افراد شاغل، تعداد افراد دارای درآمد، تحصیلات، محل سکونت خانوار، وضع زناشویی، بعد خانوار، تعداد افراد باسواد، وضع فعالیت، وضع تاهل مورد بررسی قرار می گیرند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

نتایج بررسی فقر جنسیتی دهه گذشته در ایران نشان می دهد که در طی سالهای ۱۳۷۰، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰ به ترتیب ۴/۵۵، ۵۲ و ۱۷/۵ درصد از زنان سرپرست خانوار قادر به دستیابی به حداقل های مورد نیاز برای اعضای خانوار خود نبوده اند و در فقر مطلق زندگی می کرده اند. لازم به ذکر است که به رغم روند نزولی فقر زنان در طی این سالها، همواره درصد فقر در آنان بیش تر از خانوارهای با سرپرست مرد بوده است. به طوری که میزان فقر در بین این خانوارها